

## اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های فرزندپروری مادران The effectiveness of transactional analysis on mothers' parenting styles

Mahmoud Eghbali  
Psychology  
Seyed Valiollah Mousavi  
University of Guilan  
Fahimeh Hakima  
Clinical Psychology

محمود اقبالی  
روانشناسی  
سید ولی اله موسوی\*  
دانشگاه گیلان  
فهیمة حکیمه  
روانشناسی بالینی

چکیده: روابط صحیح و متعادل بین والدین و فرزندان یکی از عوامل موثر در بهزیستی و بهداشت روانی آنان است. در این میان تحلیل رفتار متقابل به‌عنوان یک نظریه ارتباطی آسان و کامل درباره شخصیت قلمداد شده است که به نظر می‌رسد قادر است به والدین در تعیین طرز مواجهه با کودکان کمک کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های فرزندپروری مادران بود. طرح پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود. تعداد ۳۰ نفر از مادران در این پژوهش شرکت کردند و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. آزمودنی‌های گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در جلسات آموزشی تحلیل رفتار متقابل شرکت کردند و به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات پژوهش پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (PSI) قبل و بعد از شرایط آزمایشی در هر دو گروه اجرا شد. نتایج نشان داد که سبک مقتدرانه مادران در گروه آزمایش در پس‌آزمون به‌صورت معناداری افزایش و سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه مادران گروه آزمایش در پس‌آزمون کاهش یافت. این یافته‌ها نشان می‌دهد آموزش تحلیل رفتار متقابل ابزاری است که به مادران کمک می‌کند تا هیجان‌هایشان را کنترل کرده و رابطه بالغانه را به‌جای انتقاد از فرزندانشان بکار گیرند.  
واژه‌های کلیدی: تحلیل رفتار متقابل، سبک‌های فرزندپروری، روابط فرزند-والد

*Abstract:* Authentic and balanced relationships between parents and children are one of the effective factors in children's well-being and mental health. Transactional analysis is considered a comprehensive communication theory about personality and can help parents deal with their children. The aim of the present study was to investigate the effects of transactional analysis on maternal parenting styles. The design of this study was of a quasi-experimental type with pre-test, post-test and control group. 30 mothers participated in this study, assigned to experimental and control groups (15 each). The experimental group were trained in eight 90 minute sessions of transactional analysis. To collect the research data, the Baumrind Parenting Style Inventory (PSI) was administered to both groups before and after the intervention. Results revealed that mothers in the experimental group scored higher in the authoritative style and lower in authoritarian and permissive styles in their post test. It can be concluded that transactional analysis training may have helped mothers in controlling their emotions and sorting to adult relationships instead of scolding their children.

*Keywords:* transactional analysis, parenting styles, child-parent relationships

## مقدمه

مادران در رشد و یادگیری فرزندان نقش اساسی دارند و نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که خانواده و محیط خانه موثرترین نیروی تاثیرگذار در یادگیری اولیه کودکان هستند (میلدان و پولیمنی، ۲۰۱۲). به عبارت دیگر خانواده نخستین مرجعی است که شخصیت فرد در آن شکل می‌گیرد و نافذترین مرجع رسمی و اجتماعی برای تربیت است (گلدنبرگ<sup>۱</sup>، ۱۳۸۹/۱۹۸۶). بنابراین روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل موثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است به طوری که در بین عوامل مختلفی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان موثرند، تاثیر متقابل کودک و والدین و نحوه برخورد فیما بین از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود (باری، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر در درون خانواده باید اجتماعی شدن<sup>۲</sup> کودک شکل بگیرد و این امر بیشتر به واسطه تعامل مستقیم والد-کودک شروع می‌شود (رینالدی و هاوو، ۲۰۱۲). به همین دلیل نظریه‌های شناخته شده‌ای مانند نظریه دلبستگی<sup>۳</sup> (آینسورث، ۱۹۸۹؛ آینسورث و بالبی، ۱۹۹۱)، نظریه تعامل اجتماعی<sup>۴</sup> (فیشر، ایس و چمبرلیان، ۱۹۹۹)، نظریه‌های خانواده<sup>۵</sup> (پارکر و بوریل، ۲۰۰۶)، بر اهمیت روابط والد-کودک تاکید می‌کنند. لذا والدین لازم است که اهداف متعالی و درعین حال واقع‌گرایانه‌ای در خصوص رفتار با کودکانشان ترسیم کنند و با اتخاذ حمایت‌های لازم برای دستیابی به انتظارات خود اقدام نمایند (جان بزرگی، نوری و آگاه هریس، ۱۳۹۱). در همین زمینه پژوهشی مشخص ساخت که اصلاح روابط والد-کودک می‌تواند حتی شدت اختلالات رفتاری فرزندان را کاهش دهد (ویسانی، شهنی بیلاق، عالی پور و مهرابی زاده هنرمند، ۱۳۹۴). والدین برای احساس موفقیت و رسیدن به سطح مناسب رضایت از فرزندپروری خود، لازم است در مورد میزان اثربخشی نقش خود فکر کنند، زیرا والدینی که به توانایی‌های خود در

فرزندپروری مطمئن هستند، وظایف فرزندپروری خود را موثرتر انجام می‌دهند و نتایج مثبت‌تری در رشد و تحول فرزندان خود دریافت می‌کنند (هس، تیتای و هیوسی، ۲۰۰۴). دارلینگ و استینبرگ<sup>۶</sup> (۱۹۹۳) سبک‌های فرزندپروری<sup>۷</sup> را یکی از ویژگی‌های مهم والدین می‌دانند. آنها سبک فرزندپروری را به عنوان یک شرایط فراگیر تعریف کرده‌اند که هم در عملکردهای خانوادگی و هم در پرورش فرزندان نقش دارد (هوور، اوتن دوریس و انگلس، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر سبک‌های فرزندپروری فعالیت‌هایی در زمینه پرورش کودک است که باعث رشد در بسیاری از حوزه‌ها می‌شود (جانسن، دنیلز نیکولسون، ۲۰۱۲).

پژوهش‌های متمرکز بر عوامل والدینی، عموماً فرزندپروری را هم در پرتو سبک‌های فرزندپروری عمومی و هم رفتارهای خاص والدینی مفهوم‌سازی نموده‌اند اما بیشتر پژوهش‌های این حوزه بر اساس سازه‌های فرزندپروری معرفی شده توسط بامریند<sup>۸</sup> انجام شده است. به صورت سنتی، شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۱) به صورت ترکیبی از دو بعد مراقبت<sup>۹</sup> (گرمی و حمایت) و کنترل<sup>۱۰</sup> (متوقع بودن و انتظارات) در نظر گرفته می‌شود (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳؛ به نقل از جانسن و همکاران، ۲۰۱۲). مراقبت دارای دو بعد متضاد رفتارهای مثبت (پذیرش<sup>۱۱</sup> و گرمی<sup>۱۲</sup>) و رفتارهای منفی از قبیل طرد<sup>۱۳</sup> و انتقاد<sup>۱۴</sup> است و کنترل شامل دو بعد متضاد رفتارهای منفی از قبیل کنترل والدین و بیش حمایت‌گری<sup>۱۵</sup> و رفتارهای مثبت از قبیل ارتقا خودپروی<sup>۱۶</sup> است (بولکن، سانو، کوستا، آکوک و دی، ۲۰۱۰؛ یاین، لای و سو، ۲۰۱۲). بامریند (۱۹۷۶) در دهه ۱۹۶۰ سه سبک فرزندپروری مستبدانه<sup>۱۷</sup>، مقتدرانه<sup>۱۸</sup> و سهل‌گیرانه<sup>۱۹</sup> را با در نظر گرفتن کنترل و مراقبت والدینی ارایه کرده است. پژوهش‌های انجام شده بر این سه سبک نشان داده است که این سبک‌ها ممکن است پیامدهای مثبت یا منفی را در

6. Darling, N., & Steinberg, L.  
7. parenting styles  
8. Baumrind, D.  
9. care  
10. control  
11. acceptance  
12. warmth  
13. rejection  
14. criticism  
15. overprotection  
16. autonomy  
17. authoritarian  
18. authoritative  
19. permissive

1. Goldenberg, H.  
2. Socialization  
3. attachment theory  
4. social interaction theory  
5. family theories

کودکان افزایش یا کاهش دهند (دیاز، ۲۰۰۵). برای نمونه نتایج پژوهش مرادیان، عالی‌پور و شهنی‌بیلاق (۱۳۹۳) نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه اثر مستقیم مثبت و معنادار و سبک فرزندپروری مستبدانه اثر مستقیم منفی و معنادار بر خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت دارند. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه اثر مستقیم منفی معنادار بر خودکارآمدی تحصیلی داشت اما اثر معنادار بر انگیزه پیشرفت نداشت.

والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه سعی می‌کنند رفتارها و نگرش‌های فرزندانشان را مطابق با یک مجموعه استانداردهای رفتاری که معمولاً مطلق‌گرا، با انگیزه اعتقادی و به‌وسیله یک قدرت والا تنظیم شده‌اند، شکل داده و کنترل و ارزیابی کنند (بامریند، ۱۹۹۱)؛ اما والدین مقتدر با حمایت زیاد و کنترل دقیق، شرایط دموکراتیک به‌وجود می‌آورند (هورر و همکاران، ۲۰۱۰). بامریند (۱۹۹۱) معتقد است که شیوه فرزندپروری مقتدرانه، قاطعانه بوده ولی منطقی، گرم، پرورش‌دهنده و توأم با محبت است. والدین سهل‌گیر برای کودکان خود محیطی آرام و پذیرا به وجود می‌آورند، خواسته‌های اندکی از فرزندان خود دارند و بر آنچه آنها انجام می‌دهند کنترل و نظارت ندارند (استنبرگ، ۲۰۰۲).

برای حل مسایل ارتباطی و بهبود روابط والد - فرزندی نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی طراحی شده است. در میان آنها نظریه تحلیل رفتار متقابل<sup>۱</sup> یک روش منظم برای روان‌درمانی به‌منظور رشد و تغییرات شخصی است (استوارت و جونز، ۱۳۹۱/۱۹۷۶). این نظریه در سال ۱۹۵۰ توسط اریک برن<sup>۳</sup> توسعه یافته است. تحلیل رفتار متقابل دربرگیرنده یک نظریه ارتباطی آسان و کامل درباره شخصیت است که این بینش را در انسان ایجاد می‌کند تا چگونگی طرز برخورد با خود و دیگران را شناسایی کند. تحلیل‌گران روابط متقابل، انسان‌ها را خوب می‌دانند و معتقد هستند که اگر انسان‌ها مشکلی پیدا می‌کنند به دلیل رفتارهای والدینشان و خصوصیات نسبت داده شده به آنها و احکام صادرشده با لحن شدید، از طرف والدین است (کوری، ۲۰۱۳). در مورد اثربخشی تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های فرزندپروری، پژوهش‌ها نشان داده است که آموزش این رویکرد می‌تواند بر بهبود رابطه والد-

فرزندی موثر باشد. به‌عنوان مثال مومنی (۱۳۸۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که آموزش گروهی مادران به روش تحلیل رفتار متقابل اثربخشی مثبتی بر بهبود رابطه والد-فرزندی (به‌ویژه در بعد عاطفه مثبت<sup>۴</sup>) داشته است. در مطالعه جوادی (۱۳۸۶)، بر روی مادران دانش‌آموزان دختر منطقه ۲ تهران، مشخص شد آموزش تحلیل روابط متقابل بر بهبود عملکرد خانواده و مولفه‌های آن موثر است. سخاوت و عطاری (۱۳۹۰) نیز اثربخشی تحلیل رفتار متقابل را در بهبود روابط مادر - فرزندی موردبررسی قرار داده و نتیجه گرفتند آموزش تحلیل رفتار متقابل موجب بهبود رابطه والد - فرزندی می‌شود. مومنی<sup>۵</sup> (۲۰۰۷)؛ به نقل از محمدی، اسماعیلی و نیک، (۲۰۱۰) در تحقیق دیگری نشان داد آموزش تحلیل رفتار متقابل به زوجین موجب بهبود روابط والد - فرزندی می‌شود. طبق نظر محققان، آموزش تحلیل رفتار متقابل در بهبود رابطه والدین و فرزندانشان موثر است (فتحی‌پور، ابراهیمی‌نژاد، خسروی، رضاییان و پورشانظری، ۱۳۸۹؛ سخاوت و عطاری، ۱۳۹۰). رینالدی و هاوو (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که آموزش و آگاه‌سازی والدین با این رویکرد به آنها کمک می‌کند تا ارتباط سطح بالای مشکلات رفتاری فرزندان در روابطشان با سبک‌های ناموثر والدینی را درک کنند.

در مورد چگونگی ارتباط با فرزندان سوال‌های زیادی مطرح می‌شود. مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه سبک‌های فرزندپروری بیانگر اهمیت و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت و آینده تحصیلی و شغلی فرزندان است و بسیاری از خانواده‌ها نیز با پیامدهای روش تربیتی خود آشنا نیستند و فرزندان خود را با شیوه‌های ناکارآمد تربیت می‌کنند؛ در نتیجه خود و فرزندانشان با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۷). به‌علاوه والدین و به‌ویژه مادران نقش اساسی در رشد و تحول کودکان و نوجوانان دارند و نیز وجود مشکلات ارتباطی مادر- کودک می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مسایل و مشکلات اجتماعی باشد و چون مادران زمان بیشتری را (نسبت به پدران) با فرزندان خود سپری می‌کنند و با رفتارهای فرزندان آشنایی بیشتری دارند، با فرزندان خود سازگارتر هستند (پارکر و بوریل، ۲۰۰۶)؛ بنابراین بهبود کیفیت رابطه والد- فرزندی در گرو اصلاح الگوهای ارتباطی و اتخاذ سبک

4. positive affect

5. Momeni, M.

1. transactional analysis theory

2. Stewart, I., &amp; Joines, V.

3. Bern, E.

انتخاب نمونه از میان این زنان، با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۳۰ زن واجد سبک‌های سه‌گانه فرزندپروری (سبک مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) انتخاب و با توجه به متغیرهایی مثل سن و تحصیلات به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و کنترل گمارده شدند. پیش از اجرای آموزش تحلیل رفتار متقابل، پرسشنامه سبک فرزندپروری بامریندا<sup>۱</sup> (PSI) به‌عنوان پیش‌آزمون در هر دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شد. سپس برنامه آموزشی تحلیل رفتار متقابل در گروه آزمایش اجرا شد؛ اما گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. پس از اتمام دوره آموزش، از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. جلسات آموزشی، به‌صورت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بود که هفته‌ای یک‌بار برگزار می‌شد. آزمودنی‌های شرکت‌کننده در این پژوهش دارای میانگین سنی ۳۰/۹۶، انحراف استاندارد سنی ۴/۳ سال و دامنه سنی ۲۵ تا ۴۹ سال بودند. محتوای جلسات آموزش (جیمز، ۱۳۸۸/۱۹۸۱) در جدول ۱ ارائه شده است.

فرزندپروری مناسب و کارآمد از سوی والدین است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی این شیوه درمانی در تجهیز مادران به مهارت‌های مورد نیاز جهت بهبود رابطه با فرزندان (در قالب سبک فرزندپروری) است. با توجه به هدف پژوهش و ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود، فرضیه‌ها به این شرح آزمون شدند: (۱) آموزش رفتار تحلیل متقابل باعث کاهش سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه می‌شود، (۲) آموزش رفتار تحلیل متقابل باعث کاهش سبک فرزندپروری مستبدانه می‌شود، (۳) آموزش رفتار تحلیل متقابل باعث افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌شود.

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر، یک طرح شبه آزمایشی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش حاضر شامل زنان صاحب فرزند بین ۴ تا ۱۰ ساله مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده و ازدواج شهر یزد در تابستان ۱۳۹۳ بود. به‌منظور

### جدول ۱

#### محتوای جلسات آموزش تحلیل رفتار متقابل

جلسه	محتوا
اول	آشنایی اعضا با یکدیگر، معرفی و توضیح ۳ الگوی شخصیتی والد، بالغ و کودک و مشخص کردن تکلیف برای جلسه بعد
دوم	مرور و بررسی تکلیف جلسه قبل، پرداختن به انواع "کودک" شامل کودک طبیعی سازگار و انواع مثبت و منفی آن، انواع "والد" شامل والد حمایتگر و انتقادگر و انواع مثبت و منفی آن و حالت "بالغ" شخصیت و مشخص کردن تکلیف برای جلسه بعد
سوم	مرور و بررسی تکلیف جلسه قبل، توضیح انواع روابط بین فردی (مقاطع <sup>۲</sup> ، مکمل <sup>۳</sup> و پنهان <sup>۴</sup> ) و مشخص کردن تکلیف برای جلسه بعد
چهارم	مرور و بررسی تکلیف جلسه قبل، توضیح مفهوم نوازش <sup>۵</sup> و انواع نوازش، چگونگی نوازش دادن، خواستن، گرفتن، رسم نمودار نوازش و مشخص کردن تکلیف برای جلسه بعد
پنجم	مرور و بررسی تکلیف جلسه قبل، ارائه تعریف پیش‌نویس <sup>۶</sup> ، ریشه‌های پیش‌نویس، توضیح پیام‌های پیش‌نویس همراه با ذکر مثال و مشخص کردن تکلیف برای جلسه بعد
ششم	مرور و بررسی تکلیف جلسه قبل، سازماندهی زمان. توضیح مناسب، فعالیت، وقت‌گذرانی‌ها <sup>۷</sup> ، صمیمیت و بازی‌ها <sup>۸</sup> به‌طور خلاصه، رسم نمودار دایره‌ای سازماندهی زمان و مشخص کردن تکلیف برای جلسه بعد
هفتم	مرور و بررسی تکلیف جلسه قبل، توضیح وضعیت‌های زندگی طی رشد و ویژگی‌های این افراد در صورت تثبیت. بررسی مفهوم "ردیابی" <sup>۹</sup> و چگونگی انجام آن و مشخص کردن تکلیف برای جلسه بعد
هشتم	مرور و بررسی تکلیف جلسه قبل، انتخاب وضعیت زندگی <sup>۱۰</sup> ، تصمیم به تغییر، تاکید بر به‌کارگیری بالغ و داشتن روابط سالم با دیگران

1. Parenting Style Inventory (PSI)

2. crossed

3. complementary

4. latent

5. stroke

6. script

7. To "hang out"

8. games

9. tracking

10. state of life

## ابزار سنجش

## پرسشنامه سبک فرزندپروری بامریند (PSI).

پرسشنامه سبک فرزندپروری به منظور بررسی شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده و بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱)، از الگوی رفتاری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه اقتباس شده است. این پرسشنامه، شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ ماده به شیوه مستبدانه و ۱۰ ماده دیگر به شیوه مقتدرانه به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پرسشنامه، والدین نظر خود را بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت مشخص می‌کنند و نمره بالاتر نشان‌دهنده استفاده والد از همان شیوه فرزندپروری است. اسفندیاری (۱۳۷۴)، پایایی<sup>۱</sup> و روایی<sup>۲</sup> قابل‌قبولی را در مورد این پرسشنامه گزارش داد. در این گزارش، برای تعیین پایایی پرسشنامه از ۱۲ نفر از مادران جمعیت مورد مطالعه خواست پرسشنامه مذکور را تکمیل نمایند، بعد از گذشت مدت یک هفته، پرسشنامه مذکور، دوباره توسط همان افراد تکمیل شد. ضرایب پایایی برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و برای شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ به دست آمد. همچنین در این پژوهش از ۱۰ نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی خواسته شد که

میزان روایی هر جمله از پرسشنامه را مشخص کنند. نتیجه نشان داد که پرسشنامه دارای روایی صوری است. ضرایب پایایی این پرسشنامه به روش بازآزمایی<sup>۳</sup>، برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۸۵، برای سبک مستبدانه ۰/۹۲ و برای سبک مقتدرانه پدران ۰/۸۱ گزارش شده است (بوری، ۱۹۹۱). همچنین در پژوهش حاضر برای سبک‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب ضریب آلفای کرونباخ<sup>۴</sup> ۰/۷۸، ۰/۷۱ و ۰/۶۸ به دست آمد که همسانی درونی<sup>۵</sup> قابل قبول این پرسشنامه را نشان می‌دهد.

## یافته‌ها

در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد گروه‌ها در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در متغیر سبک فرزندپروری آورده شده است. همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، میانگین سبک اقتدارگرایانه در گروه آزمایش از ۳۰/۸ به ۳۷/۹ افزایش یافته اما میانگین سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون در گروه آزمایش کاهش یافته است.

## جدول ۲

میانگین و انحراف استاندارد گروه‌های پژوهش در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در سبک فرزندپروری

متغیر	پیش‌آزمون				پس‌آزمون			
	کنترل		آزمایش		کنترل		آزمایش	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
سبک مقتدرانه	۲۹/۷	۶/۳	۲۹/۹	۷/۹	۶/۸	۳۰/۸	۶/۲	۳۷/۹
سبک مستبدانه	۱۶/۱	۵/۴	۱۵/۷	۶/۳	۴/۶	۱۵/۴	۳/۲	۱۰/۴
سبک سهل‌گیرانه	۱۳/۵	۵/۷	۱۴/۱	۴/۱	۴/۹	۱۴/۷	۲/۸	۱۰/۷

واریانس‌ها در متغیرهای پژوهش، غیر از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، تفاوت معنادار وجود ندارد و فرض همگنی واریانس‌ها تایید می‌شود. بنابراین می‌توان برای آزمون فرضیه‌ها از روش تحلیل کوواریانس استفاده کرد.

پیش از تحلیل داده‌ها به منظور بررسی همگنی واریانس متغیرها از آزمون لوین<sup>۶</sup> استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است. این نتایج نشان می‌دهد که بین واریانس‌های گروه آزمایش و کنترل از لحاظ پراکنندگی

3. test-retest  
4. Cronbach's alpha  
5. internal consistency  
6. Levene's test

1. reliability  
2. validity

## جدول ۳

نتیجه‌ی آزمون لوین برای بررسی مفروضه برابری واریانس گروه‌ها در سبک‌های فرزندپروری

شاخص	F	df <sub>1</sub>	df <sub>2</sub>	p
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۰۵	۱	۲۸	۰/۸۲
سبک فرزندپروری مستبدانه	۰/۲۳	۱	۲۸	۰/۶۳
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۳/۲۳	۱	۲۸	۰/۰۴

به‌منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش از تحلیل کوواریانس چند متغیره بین نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل استفاده شد که نتایج حاصل از آن در جدول ۴ ارایه شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که بین

دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون تفاوت معنادار در سطح  $p < ۰/۰۰۱$  وجود دارد؛ بنابراین فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اثربخشی تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های فرزندپروری تایید می‌شود.

## جدول ۴

نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری روی نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه کنترل و آزمایش در سبک‌های فرزندپروری

اثر	آزمون	ارزش	F	df	سطح معناداری	ضریب اتا	اندازه اثر
گروه	اثر پیلای	۰/۳۲	۲۸/۱۷	۲	۰/۰۰۱	۰/۶۵	۱
	لامبدای ولیکز	۰/۸۷	۲۸/۱۷	۲	۰/۰۰۱	۰/۶۵	۱
	اثر هتلینگ	۰/۳۴	۲۸/۱۷	۲	۰/۰۰۱	۰/۶۵	۱
	بزرگترین ریشه ری	۰/۳۴	۲۸/۱۷	۲	۰/۰۰۱	۰/۶۵	۱

به‌منظور بررسی تفاوت مطرح شده، از تحلیل کوواریانس در متن مانکووا روی هر یک از متغیرهای فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۵ ارایه شده است. این جدول نتایج تحلیل کوواریانس برای مقایسه میانگین‌های پس‌آزمون سه متغیر مورد بررسی در گروه‌های آزمایش و کنترل، با کنترل پیش‌آزمون‌ها را نشان می‌دهد. بر این اساس بین گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه تفاوت معنادار وجود دارد ( $F = ۴۸/۶۹$  و  $p < ۰/۰۰۱$ )؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش رفتار تحلیل متقابل بر کاهش سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه تایید می‌شود.

جدول ۵ همچنین نشان می‌دهد که بین گروه کنترل و آزمایش در سبک فرزندپروری مستبدانه تفاوت معنادار وجود دارد ( $F = ۸۹/۴۵$  و  $p < ۰/۰۰۱$ )؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش رفتار تحلیل متقابل بر کاهش سبک فرزندپروری مستبدانه تایید می‌شود. سرانجام نتایج جدول ۵ نشان داد که بین گروه کنترل و آزمایش در سبک فرزندپروری مقتدرانه تفاوت معنادار وجود دارد ( $F = ۸۷/۶۱$  و  $p < ۰/۰۰۱$ )؛ بنابراین فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش رفتار تحلیل متقابل بر افزایش سبک فرزندپروری مستبدانه تایید می‌شود.

## جدول ۵

نتایج تحلیل کوواریانس در متن مانکوا روی نمره‌های پس‌آزمون سبک‌های فرزندپروری در گروه‌های آزمایش و کنترل، با کنترل پیش‌آزمون‌ها

منبع	متغیر وابسته	مرحله	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا	اندازه اثر
	سهل‌گیرانه	پس‌آزمون	۱۵۸/۴۵	۱	۱۵۸/۴۵	۴۸/۶۹	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۱
گروه	مستبدانه	پس‌آزمون	۱۹۸/۱۰	۱	۱۹۸/۱۰	۸۹/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۵۹	۱
	مقتدرانه	پس‌آزمون	۱۸۳/۶۹	۱	۱۸۳/۶۹	۸۷/۶۱	۰/۰۰۱	۰/۵۸	۱

## بحث

در تبیین این یافته مبنی بر تاثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه، می‌توان گفت مادران توانسته‌اند با تمرکز بر نوع رابطه، تاکید بر رفتار بالغانه و پرهیز از تحکم افراطی والدانه، مسئولیت‌پذیری نسبت به وظایف، توزیع وظایف به‌صورت عادلانه، درک متقابل و پرهیز از هرگونه خودمحموری، سبک مقتدرانه را در خانواده سبب شوند؛ بنابراین یک ارتباط مناسب و بالغانه می‌تواند همه اعضای خانواده را در "وضعیت من خوب هستم، شما هم خوب هستید" قرار دهد و موجب تقویت عزت‌نفس و رفتار قاطعانه فرزندان شود. اگر در خانواده‌ای تحکم و تسلط پدر مانع ایجاد رابطه صحیح بین پدر و فرزند شود، مادر با برقراری رابطه صمیمانه و منطقی با فرزند، به وی اجازه می‌دهد تا به‌صورت منطقی با مسایل خود برخورد کند و به یک انضباط فردی نایل شود. مادری که از مشاخره درونی "والد-کودک" خود آزاد است و از احساس "من خوب نیستم" خود رها شده است، می‌تواند مادری گرم و نوازش‌دهنده باشد. لذا رویکرد تحلیل رفتار متقابل که روش‌های ساده و قابل‌فهمی را برای برقراری ارتباط صحیح بین والد و کودک ارائه می‌دهد، با روش‌های درست و منطقی و بر اساس واقعیت‌های حالت "بالغ" چارچوب‌های مبتنی بر فرزندپروری را تنظیم می‌کند، به‌گونه‌ای که به حفظ حرمت "کودک" منجر می‌شود، این برنامه آموزشی به‌عنوان روشی منظم برای درمان می‌تواند یکی از موثرترین راه‌های بهبود ارتباط و مکالمه والدین با فرزندان نشان باشد.

همچنین یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد که آموزش مبتنی بر تحلیل رفتار متقابل بر کاهش سبک فرزندپروری مستبدانه زنان گروه آزمایش موثر بوده است. این یافته با نتیجه تحقیق نوروزپور و همکاران (۱۳۹۳) مبنی بر اینکه آموزش تحلیل رفتار متقابل باعث تعدیل کمال‌گرایی مادران می‌شود

مطالعه حاضر به‌منظور بررسی اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های فرزندپروری صورت گرفته است. نتایج تحلیل روی نمره‌های پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل نشان می‌دهد که آموزش مبتنی بر تحلیل رفتار متقابل بر افزایش و استحکام بیشتر سبک فرزندپروری مقتدرانه و کاهش سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه زنان گروه آزمایش (در مقایسه با زنان گروه کنترل) موثر بوده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مبتنی بر تحلیل رفتار متقابل بر افزایش و استحکام بیشتر سبک فرزندپروری مقتدرانه زنان گروه آزمایش موثر است. این یافته با تحقیق مومنی (۱۳۸۶) که در آن نشان داد آموزش گروهی مادران به روش تحلیل رفتار متقابل اثربخشی مثبتی بر بهبود رابطه والد - فرزندی به‌ویژه در بعد عاطفه مثبت داشته، همسو است. سخاوت و عطاری (۱۳۹۰) نیز به نتایجی هماهنگ با نتایج این پژوهش دست یافتند. آنها اثربخشی تحلیل رفتار متقابل را در بهبود روابط مادر - فرزندی موردبررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد آموزش تحلیل رفتار متقابل موجب بهبود رابطه والد - فرزندی می‌شود. مادرانی که آموزش تحلیل رفتار متقابل را دریافت کردند، تعارض و تنش‌های آنها با فرزند نوجوانشان کمتر شد. آموزش این رویکرد موجب شد، مادران پیام‌های خود را به فرزندان‌شان به‌طور صریح انتقال دهند و به درک بیشتری از یکدیگر نایل آیند. با آموزش تحلیل رفتار متقابل، والدین اصول این رویکرد را به‌گنجینه رفتاری خود اضافه می‌کنند و در موقعیت‌های تنش‌زا با کودکان‌شان از آن بهره می‌برند. مومنی (۲۰۰۷)، نیز نشان داد آموزش تحلیل رفتار متقابل به زوجین، موجب بهبود روابط والد - فرزندی می‌شود (به نقل از محمدی، اسماعیلی و نیک، ۲۰۱۰) که با نتایج این پژوهش هماهنگ است.

نتیجه دیگر این پژوهش بیانگر آن است که آموزش مبتنی بر تحلیل رفتار متقابل بر کاهش سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه زنان گروه آزمایش موثر بوده است. این یافته با نتیجه پژوهش رینالدی و هاوو (۲۰۱۲) که نشان دادند آموزش و آگاه‌سازی والدین به آنها کمک می‌کند تا ارتباط مشکلات رفتاری فرزندان را با سبک‌های ناموثر والدینی (پذیرفتن تمام خواسته‌های کودک) درک کنند، همسو است. این یافته را نیز این‌گونه می‌توان تبیین کرد که مادران سهل‌گیر تلاش می‌کنند که نسبت به تکانه‌ها، تمایلات و فعالیت‌های فرزندان به یک شیوه غیرتنبیهی، پذیرا و مثبت برخورد کنند، در مقایسه با میزان پاسخ‌گویی خود، توقعات کمی از فرزندان دارند، بیشتر پاسخ‌دهنده‌اند تا متوقع، آنها غیرسنتی و باگذشت هستند، رفتارهای رشدیافته ندارند و از رویارویی دوری می‌کنند. این مادران به فرزندان اجازه می‌دهند که تا جایی که امکان دارد خودشان فعالیت‌هایشان را تنظیم کنند و از به‌کارگیری کنترل اجتناب می‌کنند و فرزندان را به اطاعت از استانداردهای مشخص بیرونی تشویق نمی‌کنند و رفتارهای بیش‌حمایتی انجام می‌دهند. در پژوهش حاضر، مادرانی که تحت آموزش تحلیل رفتار متقابل قرار گرفتند، آموختند که چگونه به‌جای رفتارهای بیش‌حمایتی که در نتیجه استفاده از بخش "والد حمایتگر منفی" شخصیت است و این بخش، اصل را بر آن می‌گذارد که کودک ناتوان است و باید از موضع بالاتری به او کمک کرد با بخش "والد حمایتگر مثبت" خود توجه و نوازش مثبت را به‌موقع به کودک بدهند. این روش باعث شکل‌گیری یک الگوی تبادلی جدید بین مادر و کودک شد. بر اساس این الگو، تعارض‌ها و روابط متقاطع مادر و کودک کاهش یافت و روابط سازنده و مکمل ایجاد شد.

با توجه به افزایش روزافزون اختلالات روانی و خلقی در کودکان، ارتباط با مادر که همواره منبع مهر و محبت به فرزندان است اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. مادران می‌توانند حالات نفسانی خود را از یکدیگر تشخیص دهند و نقش من والدینی حمایتی منفی را کاهش داده و من بالغ را پرورش دهند. مادر تفکر آگاهانه را فعال کرده و سعی می‌کند به جایگاه "من خوب هستم، تو خوب هستی" برسد. مادر که منبع دلبستگی فرزند است با پرورش دلبستگی ایمن در فرزند خود می‌تواند به وی کمک کند تا عواطف مثبتی مانند همدلی،

همسو است. شفیع (۱۳۹۱) نیز دریافت که تحلیل رفتار متقابل می‌تواند باعث کاهش تعارض والدین-نوجوان شود که با نتایج این پژوهش مطابقت دارد. همچنین نتایج این پژوهش با مطالعه جواد (۱۳۸۶)، بر روی مادران دانش‌آموزان دختر منطقه ۲ تهران که در آن مشخص شد آموزش تحلیل ارتباط متقابل بر بهبود عملکرد خانواده و مولفه‌های آن موثر بوده است همخوانی دارد. مادرانی که آموزش تحلیل رفتار متقابل دریافت کرده‌اند، عواطف مثبت بیشتری به فرزندان خود نشان داده و تنش و تعارض والد-فرزندی به‌طور معناداری کاهش پیدا کرده است.

در تبیین این یافته مبنی بر تاثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر کاهش سبک فرزندپروری مستبدانه، می‌توان گفت مادران مستبد که بیش از اندازه انتقاد می‌کنند و عموماً عیب‌جو و سخت‌گیر هستند، عموماً کمتر از فرزندان خود پشتیبانی می‌کنند، تمرکز زیادی بر اشتباه کودکان دارند و انتظاراتشان فراتر از توان آنهاست. این تعریف در راستای تعریف والد سرزنشگر مبنی بر اینکه رفتارهای این والدین، ماهیتی سلطه‌گر دارد و اطلاع‌رسانی در قالب دستورهای کلامی است و پیامد این رفتارها کانال ارتباطی را می‌بندد و نیز تعریف والد بی‌ثبات در تحلیل رفتار متقابل است (بوث، ۲۰۰۷). همان‌طور که آموزش تحلیل رفتار متقابل به والدین سرزنشگر و بی‌ثبات کمک می‌کند تا با رشد حالت بالغ و محاسبه‌گری، به‌جای کنترل‌گری منفی و سرزنشگری از ساختاردهی استفاده کنند؛ آموزش تحلیل رفتار متقابل به مادران مستبد نیز همین تاثیر را دارد. به‌عبارت‌دیگر آموزش تحلیل رفتار متقابل ابزاری است که به مادران مستبد کمک می‌کند تا هیجان‌هایشان را کنترل و رابطه بالغانه را به‌جای انتقاد از فرزندانشان انتخاب کنند و با بررسی مجدد تفکر والدانه و کودکانه خود و با تصمیم‌گیری مجدد درباره پیام‌های پیش‌نویس خود، به رشد بالغ برسند. همچنین این نظریه بر اساس سه اصل بنا شده است ۱- تمامی انسان‌ها خوب هستند ۲- انسان‌ها اشتباه می‌کنند ۳- انسان‌ها تغییر می‌کنند (جیمز، ۱۳۸۸/۱۹۸۱). در نتیجه آموزش تحلیل رفتار متقابل به مادران مستبد، تمرکزشان را بر اشتباه و داشتن انتظارات غیرواقعیانه تعدیل می‌کند و درنهایت منجر به تعدیل سبک فرزندپروری مستبدانه آنها می‌شود.



حجم نمونه را بیشتر کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود جهت افزایش گستره تعمیم‌پذیری نتایج، این پژوهش در مراکز مشاوره سایر جوامع آماری مجدداً بررسی شود. این پژوهش فاقد دوره پیگیری بود بنابراین اگرچه نتیجه مداخله اثربخش است، اما نمی‌توان در مورد پایداری اثرات سودمند آن در طول زمان به‌ویژه در بازه‌های زمانی طولانی مدت اطمینان داشت. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی دوره پیگیری را هم به طرح تحقیق خود بیفزایند. سرانجام پیشنهاد می‌شود آن دسته از مشاورانی که در زمینه کاهش تعارضات والد-فرزند فعالیت می‌کنند از اثرات سودمند مداخله تحلیل رفتار متقابل استفاده نمایند.

کاهش تعارضات والدین- نوجوان در دانش آموزان دختر نیشابور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی فردوسی مشهد.

شکوهِ یکتا، م. و پرند، ا. (۱۳۸۷). سبک فرزندپروری والدین و رابطه آنها با ویژگی‌های رفتاری و پیشرفت تحصیلی فرزندان. فصلنامه مطالعات جوانان، ۱۴ و ۱۵، ۶-۲۰.

فتحی‌پور، م.، ابراهیمی‌نژاد، غ.، خسروی، ص.، رضائیان، م. و پورشانظری، ع. ا. (۱۳۸۹). تاثیر آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ی برن بر بهبود عملکرد والدین دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر رفسنجان. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۹، ۴۷-۵۸.

گلدنبرگ، ا. ه. (۱۹۸۶). خانواده‌درمانی. ترجمه سیامک نقش‌بندی و حمیدرضا شاه براتی، (۱۳۸۹). تهران: روان.

مرادیان ج.، عالی‌پور، س.، و شهینی‌بیلاق، م. (۱۳۹۳). رابطه علی بین سبک‌های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت در دانشجویان. روانشناسی خانواده، ۱، ۶۳-۷۴.

مومنی، م. (۱۳۸۶). اثربخشی گروهی مادران با رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای برن بر بهبود رابطه ولی - فرزندی دانش آموزان دختر متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

نوروزپور، ا. جان بزرگی، م.؛ آگاه هریس، م.؛ و فلاح، م. (۱۳۹۳). تاثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر تعدیل کمال‌گرایی

همدردی، مهربانی، دلسوزی و توانایی خودرهبی و خودباوری را در محیط خانواده و در ارتباط با دوستان و همسالان بروز دهد.

پژوهش حاضر واجد محدودیت‌هایی بود که عمده‌ترین آنها به شرح ذیل است: افراد نمونه شامل زنان صاحب فرزند بین ۴ تا ۱۰ ساله مراجعه‌کننده به یک مرکز مشاوره خانواده و ازدواج در شهر یزد بودند. لذا در تعمیم نتایج به‌دست‌آمده به سایر گروه‌های سنی، جنسیتی و قومیتی باید احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش اثرگذار مردان در تربیت فرزندان، پژوهش‌های آتی دو گروه والدین (مادران و پدران) را با یکدیگر مقایسه نموده و جهت افزایش توان آزمون در فرضیه‌آزمایی

## منابع

استوارت، ی.، و جونز، و. (۱۹۷۶). تحلیل رفتار متقابل: روشهای نوین در روان‌شناسی. ترجمه بهمن دادگستر، (۱۳۹۱). تهران: دایره.

اسفندیاری، غ. (۱۳۷۴). بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری کودکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، انستیتو روان‌پزشکی تهران.

جان بزرگی، م.، نوری، ن.، و آگاه هریس، م. (۱۳۹۱). آموزش اخلاق رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان. تهران: ارجمند.

جوادی، ب. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل روی مادران دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در بهبود عملکرد خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.

جیمز، م. (۱۹۸۱). تحلیل رفتار متقابل برای پدرها و مادرها. ترجمه رضا سیفی و کیارا مرتضوی، (۱۳۸۸). تهران: انتشارات فراروان.

سخت‌و، س.، و عطاری، ی. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر بهبود روابط مادر-فرزندی در پسران مقطع راهنمایی شهرستان دزفول. یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۱۳، ۳۷-۵۴.

شفیعی، ز. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی گروه‌درمانی تحلیل رفتار متقابل و واقعیت‌درمانی گروهی بر کاهش بحران هویت و

یاری، ع. (۱۳۹۰). بررسی روند تاثیرات همایندی شیوه‌های فرزندپروری و روابط بین فردی از طریق ایجاد رضایت‌در زندگی والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

مادران با توجه به سبک‌های فرزندپروری. *روانشناسی تربیتی*، ۹، ۱۶۷-۱۵۶.  
ویسانی، م.، شهینی‌یلاق، م.، عالی‌پور س.، و مهرابی‌زاده هنرمند، م. (۱۳۹۴). اثربخشی روش ارتباط کودک-والد بر شدت نشانگان اختلال کاستی توجه/ بیش‌فعالی. *روانشناسی خانواده*، ۱، ۲۹-۳۸.

### References

- Ainsworth, M. D. S. (1989). Attachment beyond infancy. *American Psychologist*, 44, 709- 716.
- Ainsworth, M. D. S., & Bowlby, J. (1991). An ethological approach to personality development. *American Psychologist*, 46, 333-341.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, 11, 56-92.
- Bolkan, C., Sano, Y., Costa, J. D., Acock, A. C., & Day, R. D. (2010). Early adolescent perceptions of mothers and fathers parenting styles and problem behavior. *Marriage & Family Review*, 16, 563-579.
- Booth, L. (2007). Observations and reflections of communication in health care—could Transactional Analysis be used as an effective approach?. *Radiography*, 13, 135-141.
- Buri, J. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
- Corey, G. (2013). *Theory and practice of counseling and psychotherapy*. Belmont, Calif: Wadsworth.
- Diaz, y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among latino mothers and children. *journal of psychopathology&behaviorak assessment*, 25,229-337.
- Fisher, P. A., Ellis, B., & Chamberlain, P. (1999). Early intervention foster care: A model for preventing risk in young children who have been maltreated. *Children's Services: Social Policy, Research, and Practice*, 2, 159- 182.
- Hess, C. R., Teti, D. M., & Hussey, B. (2004). Self- efficacy and parenting of high- risk infants: The moderating role of parent knowledge of infant development. *Applied Developmental Psychology*, 25, 423- 437.
- Huver, R. M. E., Otten, R., Devries, H., & Engels, R. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescence*, 33, 395-402.
- Jansen, E., Daniels, L. A., & Nicholson, J. M. (2012). The dynamics of parenting and early feeding- constructs and controversies: A viewpoint. *Early Child Development and Care*, 182, 967-981.
- Mildon, R., & Polimeni, M. (2012). Parenting in the early years: Effectiveness of parenting support programs for Indigenous families. (Resource Sheet No. 16). Canberra: Closing the Gap Clearinghouse, Australian Institute of Health and Welfare & Australian Institute of Family Studies. Retrieved from <aih.w.gov.au/uploadedFiles/ClosingTheGap/Content/ Publications/2012/ctgc-rs16.pdf>.
- Mohammadi, M., Esmaily, M., & Nik, A. (2010). The effectiveness of group consultation in the method of transactional analysis over the student's communicative skills. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1490-1492.
- Parke, R. D., & Buriel, R. (2006). Socialization in the family: Ethnic and ecological perspectives. In W. Damon, R. M. Lerner & N. Eisenberg (Eds.), *The handbook of child psychology. social, emotional, and personality development* (pp. 429-504). New York, NY: Wiley.
- Rinaldi, C. M. & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27, 266 - 273.
- Steinberg, L. (2002). Over-time adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*, 65,754-777.
- Yin, X., Li, Z., & Su, L. (2012). Fathers parenting and children's adjustment: The mediating role of father- child conflict. *Social Behavior and Personality*, 40, 1401- 1408.